



جایگاه سند چارچوب طراحی شهری در میان اسناد هدایت طراحی شهری (مقایسه تطبیقی نظام برنامه ریزی ایران و انگلستان)

نجمه رضانی آقداش^{۱*}، مزده جوانشیری^۲

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی، مدرس گروه شهرسازی، موسسه آموزش عالی سلمان، مشهد، ایران. mohsen.najmeh@yahoo.com
۲- دانشجوی دکتری شهرسازی، مدرس گروه معماری، موسسه آموزش عالی وحدت، تربت جام، ایران. mozhdehjavanshiri@yahoo.com

چکیده

سند چارچوب طراحی شهری به عنوان یکی از اسناد طراحی شهری، در نظام برنامه ریزی ایران است که هدف اصلی این پژوهش بازنمایی جایگاه قانونی این سند برای دستیابی به الگو و راهنمای عمل مناسب و صحیح، بررسی مقایسه ای (تطبیقی) میان جایگاه این اسناد در نظام برنامه ریزی ایران و انگلستان انجام می پذیرد. بی شک الگوپردازی از جایگاه سیاست های طراحی شهری، روند تهیه و تصویب اسناد طراحی شهری، حوزه اختیارات و یکپارچگی نهادهای موثر در امر سیاست گذاری، تهیه و اجرا در نظام برنامه ریزی انگلستان در مورد اسناد طراحی شهری در شکل گیری مناسب، عملکرد و نقش صحیح اسناد طراحی شهری در نظام برنامه ریزی شهری ایران تاثیرگذار خواهد بود. این پژوهش در حیطه پژوهش های کاربردی قرار می گیرد و روش اصلی در این تحقیق توصیفی و نیز روش بررسی تطبیقی و کشف مغایرت است. یافته ها نشان می دهد که تفرق عملکردی در نهادهای تهیه کننده، اجرایی و نهادهای قانون گذار در حوزه اختیارات، تصمیم سازی و تصمیم گیری؛ نبود هماهنگی، همکاری و همیاری بین بخشی در دستگاه های ذی ربط؛ فقدان سیاست های طراحی مشخص در برنامه های توسعه فرادست اسناد طراحی شهری؛ ضعف در حوزه مشارکت مردمی، عدم نظارت و بازنگری در اسناد تهیه شده و ضعف در نهادهای مطالعاتی و پژوهشی به لحاظ درجه استقلال و سیاست گذاری از مهم ترین مشکلات رویه ای پیش روی اسناد طراحی شهری و عدم وجود جایگاه مناسب در نظام برنامه ریزی شهری ایران است و به عنوان کلیدی ترین تفاوت ها میان دو نظام برنامه ریزی مطرح می شود.

واژگان کلیدی: طراحی شهری، چارچوب طراحی شهری، نظام برنامه ریزی انگلستان، نظام برنامه ریزی ایران، بررسی تطبیقی.



مقدمه

تحولاتی که در طول پنج دهه اخیر در زمینه طراحی شهری رخ داده است، این دانش را از ابعاد بصری، کالبدی و زیبایی شناختی به زمینه های اجتماعی، ادراکی و عملکردی تعمیم داده است. شاید بتوان طراحی شهری را هنر طراحی مکان ها برای مردم تعریف کرد. این دانش به لحاظ سر و کار داشتن با جنبه های کیفی زندگی، یکی از تاثیر گذارترین عوامل بر حس تعلق به مکان و ادراک اجتماعی است. طراحی مناسب فضاها و مکان های شهری در بالا بردن سطح کیفی زندگی از طریق ایجاد نظم فضایی، حذف تنگناهای محیط شهری، ایجاد نظم بصری و کالبدی در توده و فضا و نیز ایجاد مکان های عمومی با کیفیت، نقش غیر قابل انکاری در سرزندگی و شادابی جوامع محلی دارد. طراحی شهری هم با محصول سر و کار دارد و هم با فرایند رسیدن به آن. گرچه باید اذعان کرد محصول طراحی شهری از لحاظ بعد کالبدی در عرصه عمومی تجلی پیدا میکند، اما هیچ گاه نباید فرایند رسیدن به آن را نادیده گرفت. ضرورت حضور طراحی شهری و پرداختن به ابعاد مختلف آن در درک رابطه میان کیفیت زندگی و کیفیت مکان نهفته است.

در نظام برنامه ریزی حال حاضر کشور، به ویژه در طرح های توسعه شهری تصویر روشنی از حوزه عمل، فرایند تهیه، تحقق پذیری و جایگاه قانونی طراحی شهری وجود ندارد. اسناد طراحی شهری بیشتر با هدف ساماندهی و افزایش کیفیت های بصری و کالبدی تهیه شده اند. هدف اصلی این پژوهش بازشناسی جایگاه قانونی چارچوب طراحی شهری و فرایند تهیه و انواع اسناد در نظام برنامه ریزی ایران و انگلستان است و برای این منظور، بررسی مقایسه ای میان جایگاه این اسناد در نظام برنامه ریزی ایران و انگلستان انجام می پذیرد.

۱- تحولات مفهوم طراحی شهری و رویکردهای مطرح در این زمینه

عده کثیری از نظریه پردازان طراحی شهری بر این باورند که ریشه های این رشته را باید در حرفه معماری و جنبش معماری مدرن جستجو کرد. و آن را واکنشی در قبال شکست معماری مدرن و معلول توجه فزاینده به واقعیت های تجربه انسانی شهر و واقعیت زندگی بشری میدانند. عده ای دیگر ظهور آن را عدم توفیق برنامه ریزی شهری در ساماندهی شایسته محیط های شهری عنوان کرده اند. در واقع برای پر نمودن شکاف و خلاء میان دو رشته معماری و برنامه ریزی شهری پا به عرصه حیات گذاشت.

تکثر و تنوع آراء گاهی در حدی است که، صاحب نظران، تعاریفشان را در قالب عناوین دیگری همچون «طراحی شهر» توسط کوین لینچ «طراحی آبادی» توسط ادوارد لوزانو، و «شهرسازی نوین» توسط آندرز دوآنی و پیتز کتر ارایه نموده اند. (گلکار، ۲، ۱۳۸۲)

بخش عمده ای از تفاوت هایی که ظاهراً در تعاریف ارایه شده از طراحی شهری به چشم می خورد، ناشی از فهم ایستا و جامد آن است. در طرز تلقی مزبور، طراحی شهری همچون واقعیتی ثابت، و مستقل از زمان و مکان پنداشته می شود که می توان برای آن تعریفی واحد و همیشگی ارایه نمود. برخلاف این پندار، طراحی شهری به مثابه یک مقوله اجتماعی، ماهیتی پویا و تحول یابنده داشته، به نحوی که می توان آن را به نحو استعاری موجود زنده و واجد حیات دانست. (گلکار، ۴، ۱۳۸۲)

تأکید یک جانبه و افراطی ای که طراحی شهری در دوران نوزادی خود، بر بعد بصری منظر شهری می نمود، با ورود و



ملحوظ شدن گام به گام ابعاد «عملکردی»، «ادراکی» و «زیست محیطی» در پیکره دانش مورد بحث، مورد تعدیل و تحدید قرار گرفته، موجب گردید که هر یک از ابعاد کیفی، وزن و سهم شایسته و متناسب خود را پیدا کنند. (گلکار، ۵، ۱۳۸۲)

گلکار در سال ۸۲ دوره های طراحی شهری را به پنج دوره تقسیم میکند: پیش طراحی شهری، طراحی شهری آرایشی، طراحی شهری عملکردگرا، طراحی شهری ادراکی و طراحی شهری پایدار. وی دوران جنینی (پیش طراحی شهری) طراحی شهری را تا پیش از تولد رسمی آن یعنی تا پیش از گشایش اولین دوره دانشگاهی این رشته در سال ۱۹۶۰ میلادی، میداند. دوران نوزادی طراحی شهری، طراحی شهری آرایشی در سال ۹۵۷ میلادی در دانشگاه پنسیلوانیا، و در پی «Civic Design» با تأسیس دوره آموزشی در سال ۱۹۶۰ میلادی در دانشگاه هاروارد، طراحی شهری «Urban Design» تأسیس دوره آموزشی به عنوان یک رشته دانشگاهی تولد می یابد. دوران کودکی، طراحی شهری عملکردگرا در پی اثبات تجربی این اصل که برای خلق مکان های شهری مطلوب نمی توان صرفاً به ارتقاء کیفیت بصری آن ها بسنده نمود، توجه متخصصین امر به بعد عملکردی محیط های شهری معطوف شده و طراحی شهری عملاً از دوران نوزادی به دوران جدیدی از تکامل خود، که می توان بر آن دوران کودکی نام نهاد، پای می گذارد. دوران نوجوانی، طراحی شهری ادراکی چهارمین مرحله تکامل طراحی شهری را می توان به دوره نوجوانی آن تمثیل نمود. گرچه این دوره از دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز می گردد، با این وجود نقطه اوج و تأثیرات گسترده آن مقارن دهه ۱۹۸۰ میلادی بوده و تاکنون نیز به شکل های گوناگون تداوم می یابد. در این مرحله، توجه به تجربه انسانی فضای شهری و ابعاد ادراکی آن به دایره شمول مفهوم طراحی شهری وارد می گردد. جدول شماره (۱) مهمترین عناوین مربوط به هر دوره طراحی شهری را نشان میدهد. (گلکار، ۱۳۸۲) مطالعات جدید در مقیاس بین المللی نشان میدهد که رویکرد های جزء نگر به تنهایی برای حل مسائل پیچیده و پویای طراحی شهری کفایت نمیکند. متون نوین طراحی شهری رویکرد نظری کل نگر را رویکردی مناسب برای مواجهه با پدیده پیچیده و متکثر توسعه شهری میداند. (گلکار، ۱۳۸۸، ۵۶)

جدول شماره ۱: مهمترین عناوین مربوط به هر دوره طراحی شهری

پیش طراحی شهری	طراحی شهری آرایشی	طراحی شهری عملکردگرا	طراحی شهری ادراکی	طراحی شهری پایدار
افق زمانی	پیش از ۱۹۶۰	اوج در دهه ۱۹۶۰ تداوم در دهه ۱۹۷۰	اوج دهه ۱۹۷۰	شروع اواخر ۱۹۷۰ اوج دهه ۱۹۸۰
مؤلفه های غالب	زیبایی شناختی و عینی، توجه به کیفیات بصری و کالبدی	توجه مفرط به ظاهر بصری محیط شهری و مؤلفه زیبایی شناختی	تبعیت فرم از عملکرد مؤلفه زیبایی شناختی، مؤلفه عملکردی	مؤلفه زیبایی شناختی بصری و ذهنی، ادراکی و مؤلفه زیست محیطی
دلایل ظهور	انقلاب صنعتی و عدم توفیق برنامه ریزی شهری در اربقاء کیفیت محیط شهری	عملکردها به عنوان جزء جدانشدنی از محیط شهری	توجه به تجربه انسانی فضای شهری و ابعاد ادراکی	طرح مسایل جدی زیست محیطی، نظیر افزایش انواع آلودگی ها، افزایش دمای کره زمین و نابودی منابع طبیعی



پانتر در سال ۱۹۹۷ به تحولات دانش طراحی شهری از چند جهت اساسی اشاره کرده است:

تغییر از نگرش زیبایی شناختی به سمت کیفیت محیط

تغییر از سمت اهداف اقتصادی به سمت اهداف اجتماعی

تغییر از سمت حرفه عملکردی به سمت دانش میان رشته ای

تغییر از دیدگاه فردی و نخبه گرا به سمت نگرش جمعی و انسانی

تغییر از تاکید بر محیط انسان ساخت به سمت محیط طبیعی-مصنوعی (کرمونا، ۱۳۹۰، ۹۸)

بر اساس دیدگاههای نوین طراحی شهری، محیط های شهری مطلوب تنها ممکن است محصول نظامهای جامع و چند

سطحی از هدایت و کنترل توسعه ای باشد که بر سه پایه زیر بنا می شود:

چارچوب برنامه ریزی راهبردی، فرایند تصمیم سازی دموکراتیک کیفیت گرا، فراگیر بودن (به مفهوم پوشش بر کلیه

سطوح پنج گانه ی منطقه ی شهری، کل شهر، ناحیه شهری، سایت ها و فضاها و منظر شهری)، در چنین نگرشی که بر خلاف

شیوه سنتی که به برنامه ریزی شهری و طراحی شهری بر اساس الگویی خطی و منفک و با حفظ تقدم برنامه ریزی بر طراحی

پرداخته میشود، امور برنامه ریزی و طراحی شهری بر اساس الگویی موازی و تعاملی صورت میپذیرد و با حضور تفکر کیفیت

گرای خاص طراحی شهری از همان ابتدای کار (یعنی در مقیاس کلان) موجبات خلق محیط های واجد کیفیت مطلوب در

انتهای کار (یعنی در خردترین مقیاس) را فراهم می آید. (گلکار، ۱۳۸۸، ۵۸)

تکامل رویه ای طراحی شهری موجب شد تا ابزار های طراحی شهری تنوع یابند در حالی که در طراحی شهری سنتی

ابزار های کنترل محدود به پروژه های طراحی در قالب باز نمودهایی نظیر پلان و پرسپکتیو و .. بود. در واقع اکنون طراحی

شهری در کنار ابزار های سنتی خود ابزار های دیگری نظیر، سیاست طراحی شهری، برنامه راهبردی طراحی شهری، دستور

کار طراحی شهری، طرح جامع سه بعدی و بیانیه طراحی شهری و راهنمای طراحی شهری را داراست. (گلکار، ۱۳۸۸، ۵۸)

"بیل هیلیر" با نقد رویکرد جزءنگر و خرد-مقیاس به طراحی شهری می نویسد: "مکان ها چیزهای محلی نیستند. آنها

لحظاتی از چیزهای بزرگتری هستند، چیزهای بزرگتری که آنان را شهر می نامیم. مکان ها شهرها را نمی سازند بلکه این

شهرها هستند که مکان ها را می سازند. فهم این نکته بسیار ضروری است چرا که بدون فهم کلیت شهر قادر به آفرینش مکان

های موفق نیستیم". ضرورت توجه به مقیاس های کلان و راهبردی در طراحی شهری توسط پژوهشهای متعددی مورد

(متیو کرمونا و دیگران، ۱۹۹۹) تأکید قرار گرفته است که از آن جمله می توان به مطالعات کلیف ماتین (۱۹۹۹) اشاره نمود. در

پژوهشی که از سوی دو تن از اساتید دانشگاه ام.آی (۲۰۰۳) و هیلدبرند فرای تی، یعنی جان مونشوز و مارک شوستر، جهت

ارائه به "مجمع طراحی شهری شهرداران آمریکا" انجام شده است، چنین نتیجه گیری شده که حصول به یک طراحی شهر

مطلوب در سطح محلی مستلزم در اختیار بودن چارچوبی از برنامه ریزی راهبردی در مقیاس کلان می باشد. (گلکار، ۱۳۸۶، ۳)

۲- تاریخچه و سیر تحول تاریخی طراحی شهری و جایگاه چارچوب طراحی شهری در آن

به نظر می رسد پیش از بررسی جایگاه طراحی شهری در انواع طرح های توسعه شهری بهتر است به ضرورت پدید آمدن

این دانش به عنوان نوعی تخصص مستقل با زمینه های فعالیتی خاص آن پرداخته شود. شهر به عنوان پدیده ای پیچیده و





سیستمی پویا که مرتباً در حال تحول است به دانشی بیش از معماری یا برنامه ریزی شهری و یا حتی ترکیبی از این دو نیاز داشت. تا به مشکلات کیفی آن پاسخ داده شود آن هم پاسخی فراتر از معماری کلان یا نوعی برنامه ریزی صرفاً عقلانی و منطقی. دغدغه ارتقاء کیفیت زندگی انسان خصوصاً در محیط کالبدی و فضاهای عمومی موجب تولد دانش طراحی شهری شده است. اما علل دیگری که به رشد و توسعه این دانش در سالهای اخیر کمک کرده است ماهیت اقتصادی/سیاسی/فرهنگی دارد. تحت تاثیر این علل طراحی شهری به عنوان ابزاری برای رونق و توسعه شهرها در رقابت میان شهرهای مختلف اهمیت زیادی یافته است. طراحی شهری میتواند نقش اساسی در خلق وجهه و سیمای شهر و از طریق آن در خلق وجه بین المللی کشور در فراسوی مرزهایش ایفا کند. (سلطانی آزاد، ۱۳۸۱، ۴۸)

جهت تبیین جایگاه تجربه طراحی شهری در ایران، به چارچوب نظری منسجمی برای گونه بندی عمل طراحی شهری نیاز است. چنین به نظر می رسد که چارچوب نظری ارائه شده توسط "دانلد اپلیارد" می تواند نقطه عزم مناسبی برای این کار باشد. به طور کلی "اپلیارد" (۱۹۸۲) عمل طراحی شهری را به سه گونه متمایز ۱. طراحی شهری ساخت و سازگرا، ۲. طراحی شهری حفاظت گرا، ۳. طراحی شهری جامعه گرا "طبقه بندی می نماید. (گلکار، ۱۳۸۶)

در یک نظام گونه بندی از محصولات طراحی شهری که توسط "گازلینگ و میتلند" (۱۹۸۴) است، برودادهای فرایند طراحی شهری برحسب "عملکرد" شان به شانزده گونه طبقه بندی شده است که عبارتند از: ۱. چارچوب های برنامه ریزی؛ ۲. طرح بهسازی و نوسازی مراکز شهری؛ ۳. طراحی شهرهای جدید؛ ۴. طرح روستاها؛ ۵. طرح محلات مسکونی با تراکم زیاد؛ ۶. طرح محلات مسکونی با تراکم متوسط؛ ۷. طرح محلات مسکونی با تراکم کم؛ ۸. بهسازی سکونت گاههای خودرو؛ ۹. طرح های حفاظت و مرمت بافت؛ ۱۰. طرح های احیا و توانبخشی بافت، ۱۱. طرح پیاده راه سازی خیابانها، ۱۲. طرح پردیس دانشگاهها، ۱۳. طرح نمایشگاهها و پارکهای موضوعی؛ ۱۴. طرح کریدورهای حمل و نقل جایگزین، ۱۵. طرح انرژی -کارا نمودن محیط شهری؛ و ۱۶. تدوین راهنمای طراحی شهری. (گلکار، ۱۳۸۶)

نظام دیگری از گونه بندی محصولات طراحی شهری توسط "جان لنگ" (۲۰۰۵) ارائه گردیده است که عمدتاً براساس "میزان خدمات" ارائه شده توسط طراح و دفعی یا تدریجی بودن فرایند ساخت و ساز تنظیم گردیده است. بر مبنای طبقه بندی لنگ، چهار گونه از عمل طراحی شهری متصور است " ۱. طراحی شهری کامل "که در آن کلیه خدمات اعم از تهیه طرح جامع س هبعدی طراحی شهری و پروژه های معماری توسط یک مشاور تهیه میگردد؛ " ۲. طراحی شهری یکپارچه "که در آن طرح جامع سه بعدی طراحی شهری توسط یک مشاور تهیه می گردد ولی پروژه های معماری توسط گروه های دیگری از مشاورین تدارک دیده می شود. " ۳. طراحی شهری تدریجی "که در آن کنترل و هدایت ساخت و سازها، نه از طریق طرح بلکه از طریق تدوین و اعمال مجموعه ای از "ضوابط و معیارهای طراحی شهری" صورت می پذیرد؛ و " ۴. طراحی شهری الحاقی "که در آن عمل طراحی محدود به شکل بخشیدن به زیرساختها از طریق تنظیم شبکه سرمایه گذاری گردیده و انتظار طراحان بر این است که زیرساخت های پیش بینی شده، همچون ستون فقراتی، الحاق توسعه های بعدی را پذیرا بوده و به شیوه ای " مینی مالیستی " سازمان کالبدی -فضایی شهر را هدایت نماید. (گلکار، ۱۳۸۶)

همانطور که از مطالب گفته شده بر می آید جایگاه سند چارچوب طراحی شهری در سیر تاریخی و تحول معنایی طراحی



شهری مربوط به رویکردهای کلان نگر و چارچوب های برنامه ریزی راهبردی است. این سند به عنوان یک سند هدایت طراحی شهری، سندی نوظهور است که در دهه های اخیر در پی نیاز به نگاهی کلان تر و هدایت طراحی شهری از مقیاس کلان تا خرد به وجود آمده است.

رابرت کوان در سال ۲۰۰۵ در کتاب اسناد هدایت طراحی شهری، این اسناد را به دو سطح سیاست گذار و طرح ریز و اسناد مکان محور و موضوع محور، دسته بندی میکند. در سطح سیاست گذاری، طرح های جامع، برنامه راهبردی طراحی در مقیاس کل شهر، چارچوب طراحی شهری در مقیاس پاره شهر، دستور کار طراحی در مقیاس سایت را مطرح میکند و در سطح طرح ریز طرح جامع سه بعدی، طرح مجموعه ساختمانها و محوطه سازی را عنوان میکند. اسناد مکان محور شامل: سند برنامه راهبردی طراحی برای یک شهر خاص و سند چارچوب طراحی برای یک ناحیه خاص از شهر و سند دستور کار طراحی برای یک سایت خاص از شهر و طرح جامع سه بعدی برای یک سایت خاص از شهر و اسناد موضوع محور شامل راهنمای طراحی شهری. (کوان، ۱۳۸۵)

البته گاهی چارچوب طراحی شهری نیز در دسته اسناد موضوع محور تهیه میشود.

به طور کلی چارچوب طراحی شهری از جمله اسناد طراحی شهری سیاست گذار است که چگونگی به اجرا درآوردن سیاست های طراحی اسناد بالادست را (نظیر سیاست های طراحی شهری مندرج در سند رسمی برنامه جامع شهر در مقیاس یک ناحیه خاص (پاره شهر) تشریح می کند و به تصویر در می آورد. سند چارچوب طراحی شهری خود شامل مجموعه ای از سیاست ها و اصول طراحی است که انعکاس فضایی آنها به صورت چشم اندازی دو بعدی از زیرساخت های مورد نیاز آینده ناحیه تهیه می شود. این گونه اسناد برای ناحیه هایی تهیه می شود که جهت تغییر و تحول به کنترل، هدایت و تشویق نیاز دارند. چنین ناحیه هایی شامل محلات شهری، حوزه های واقع در لبه های شهر، نواحی و املاک مسکونی، حوزه های حفاظتی، روستاها، سکونتگاههای جدید، ناحیه های شهری واجد ارزش های ویژه طبیعی و همچنین حومه های شهری است که به واسطه فرسودگی کالبدی برای نوسازی و بازسازی مناسب تشخیص داده شده اند. چارچوب طراحی شهری یک الگوی هدایت برای مناطقی است که در حال تغییر و تحول می باشند و یا رشد و تغییر باید در آن ارتقاء یابد. چارچوب طراحی شهری روشی جهت دستیابی به شرایط کیفی یک منطقه در حال تحول یا بازیابی شرایط کیفی در یک منطقه با ویژگی های محیطی ارزشمند اما رو به زوال است. چارچوب طراحی شهری یک رویکرد کل نگر و همه جانبه نگر است. (کوان، ۱۳۸۵)

۲-۱- ویژگی های چارچوب طراحی شهری :

- برای سطح شهر بعنوان ابزاری جهت درک ارتباطات دینامیک یک مکان.
- برای حیطه سطح محلات و نواحی و مناطق شامل حوزه هایی که از هویت، عملکرد و روحیه قابل درک خاص برخوردارند.
- برای حوزه های شهری با عملکرد مختلط شامل مسکونی، فرهنگی هنری و تفریحی.
- برای حوزه های نوسازی و دوباره سازی شامل مناطق مسکونی و صنعتی و سایت های بایر و خالی.
- برای حوزه مرکز شهر شامل نظام هدایت برای کلیه زمینه ها و اقدامات احیا و بهسازی.
- برای حوزه های توسعه پیرامون شهر شامل مناطق مسکونی جدید و توسعه های صنعتی.



- برای توسعه روستاها توسط بیانیه‌های طراحی با نگرش ارتقاء تدارک شده توسط تشکیلات اجرایی فرادست.
- برای کریدورهای ترددی که متمرکز برای مسیرهای اصلی، جاده‌ها، راه‌آهن و کریدور محورهای آبی و رودخانه‌ها باشند.
- برای حوزه‌های خاص سیاستگزاری مانند حوزه ساحل آب، مناطق ویژه از لحاظ حفاظتی و یا سیمای زمین (کوان، ۱۳۸۵)

۲-۲- دستاوردهای چارچوب طراحی شهری

۱. پیشنهاد حوزه‌های مطالعات تفصیلی و اجرایی طراحی شهری و پروژه‌ها براساس فرصتهای مکانی شناسایی شده ،
۲. برقراری ارتباط و انتظام فضایی مابین پروژه‌ها ۳. ارائه استراتژی‌های طراحی سازمان فضایی ۴. تدوین پلان سیاستگزاری و انطباق سیاستهای اجرایی با فرصتهای مکانی ، ۵. تدوین چشم‌انداز کالبدی و سه بعدی از شکل توسعه

۳- مقایسه تطبیقی نظام برنامه ریزی ایران و انگلستان

- در انتخاب انگلستان به عنوان نمونه برای مقایسه، دلایلی از این جمله تأثیرگذار بوده است:
۱. نظام سیاسی حاکم در انگلستان به عنوان بخشی از بریتانیای کبیر از نوع نیمه متمرکز است و تا حدودی خصوصیات تمرکز را نیز می توان در آن مشاهده کرد. به عنوان مثال ،حکومت مرکزی دارای نظارت عالی و حق مداخله در امور و اختیارات حکومت محلی است.
 ۲. انگلستان در سطح برنامه های توسعه شهری در نظام برنامه ریزی بسیار پیشرو است. این کشور با سابقه طولانی در این امر نشان داده است که زمینه اصلاحات برنامه ریزی را به طور مستمر دنبال می کند. از مهمترین اصلاحات دهه اخیر می توان به قانون برنامه ریزی و خرید اجباری مصوب 2114 ،قانون برنامه ریزی مصوب 2112 و قانون دموکراسی محلی و توسعه اقتصادی و عمرانی مصوب 2113 اشاره کرد که به طور مستقیم در تهیه و تدوین برنامه های توسعه شهری تأثیر گذار بوده است.
 ۳. همچنین وجود ساختار قدرتمند حکومت محلی و اداره مردمی این کشور از طریق فرآیند مشارکت مردمی، به ویژه در تهیه برنامه های توسعه شهری، از دیگر دلایل پیشرو بودن برشمرده می شود.

۳-۱- نقش قوانین و مقررات

قوانین و مقررات می توانند مشروعیت قانونی به چارچوب برنامه ریزی و فعالیت هایی که از سوی نهادهای حکومتی و نیمه عمومی و خصوصی و دیگر مراجع ذیربط انجام می گیرد، ببخشند. قوانین بیشتر نقش نظارتی و هدایتی و حمایت کننده دارند و توصیه ها و الزاماتی کلی را برای اجرا معین می سازند. اینها سپس به وسیله آئین نامه های مربوط تفسیر می شوند و جنبه اجرایی می یابند. (بنکدار، ۱۳۹۰، ۱۵۱) ضرورت حضور طراحی در نظام برنامه ریزی در انگلستان عموماً از طریق قوانین پشتیبان طراحی در قوانین برنامه ریزی شهری در طول سال های اولیه شکل گیری نظام برنامه ریزی تاکنون تقویت شده است. با این حال اهمیت و نقش طراحی در رهنمودهای سیاست برنامه ریزی (PPGs) در دهه 31 و به ویژه در دوره های اخیر در بیانیه های سیاست برنامه ریزی (PPSs) از سال 2114 تا کنون به عنوان یکی از اصول مورد توجه در تهیه و تدوین اسناد



برنامه توسعه (DPDS)، منعکس شده است. این رهنمودها و بیانیه ها را می توان آئین نامه هایی تلقی کرد که اهداف حکومت مرکزی را در زمینه برنامه ریزی و طراحی بیان می کنند. (بنکدار، ۱۵۱)

در ایران، با وجود رویکرد مثبت در دهه اخیر نسبت به طراحی شهری، بررسی سابقه تاریخی قوانین و مقررات نشان از آن دارد که قوانین و مقررات حامی طراحی شهری نقشی ضعیف داشته اند. سابقه حضور طراحی در نظام برنامه ریزی ایران، به سال ۱۳۱۲ بر می گردد. دولت با تصویب قانون تعریض معابر در این سال، دخالت مستقیم در شکل دهی بر پیکره شهر را بر عهده گرفت، تا نیمه دهه ۴۱ عملاً طراحی در نام برنامه ریزی جایگاهی نداشت. در سال ۱۳۲۶، یکی از نخستین اسناد با رهیافت طراحی برای تهران توسط گروه بین المللی دانشگاه هاروارد تهیه شد. در سال ۱۳۷۲ با تصویب آئین نامه نحوه بررسی و تصویب طرح های توسعه و عمران محلی، ناحیه ای، منطقه ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور، همچنان طراحی شهری جایگاهی در طرح های توسعه شهری نداشت. در دهه های اخیر، قانون برنامه سوم و چهارم توسعه تنها در قسمتی کوچک هویت بخشی به سیما و کالبد شهرها و روستاهای کشور را با رعایت ویژگی های فرهنگ معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی (بومی) مورد توجه قرار داده اند. تنها مصوبه ای که می توان آن را به عنوان سیاست کلی در طراحی شهری و فضاهای شهری دارای اهمیت دانست، مصوبه ضوابط و مقررات ارتقای کیفی سیما و منظر شهری است که در دی ماه ۱۳۸۷ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری رسید. همچنین در بخشی از آئین نامه اجرایی قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۲۲ وزارت مسکن و شهرسازی موظف شده است تا به اصلاح و تکمیل و بازنگری در شرح خدمات طرح های جامع و تفصیلی و نیز طراحی فضاهای شهری و هادی روستایی بپردازند. همچنین بر اساس ماده ۱۳ این آئین نامه، کمیسیون معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی به منظور ارتقای کیفی و صیانت از معماری و طراحی شهری متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی در ساختمان های شهری در وزارت مسکن و شهرسازی تشکیل می شود. (بنکدار، ۱۵۲)

بنابراین می توان نتیجه گرفت که در ایران، هنوز نقش طراحی شهری در قوانین و مقررات پشتیبان دارای ضعف اساسی است؛ و آئین نامه ها و تصویب نامه ها عموماً به صورت موردی به طراحی شهری می پردازند.

در روند تصویب قوانین در انگلستان و ایران رویه ای مشابه وجود دارد. تصویب قوانین را در انگلیس، مجلس عوام بر عهده دارد، که سپس به تأیید مجلس اعیان می رسد. در ایران، قوانین پس از تصویب در مجلس به تأیید شورای نگهبان می رسند. البته در ایران، در مقابل بیانیه های سیاست برنامه ریزی (PPSs) که در سرفصل های مختلف تهیه و تنظیم شده است، آئین نامه های مدونی وجود ندارد، بلکه عمدتاً آئین نامه ها در مورد تفسیر قانون مورد نظر تهیه میشوند و در مواردی این آئین نامه ها را هیأت وزیران تهیه کرده و به تصویب رسانده است. در نمودار (۱) مهمترین قوانین و مقررات تأثیرگذار بر طراحی شهری در هر دو کشور مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته اند. (همان)





	قانون راجع به احداث توسعه معابر و خیابانها ۱۳۱۲	۱۳۰۰
	قانون تشکیل شهرداری ها و انجمن شهرها و قصابات ۱۳۲۸	۱۳۲۰
	قانون شهرداری ۱۳۳۴	۱۳۳۰
	قانون نوسازی و عمران شهری ۱۳۴۷	۱۳۴۰
	قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ۱۳۵۱ قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی و تعیین وظایف آن ۱۳۵۳	۱۳۵۰
	راه حل گروه هاروارد برای طراحی شهری تهران ۱۳۵۶	۱۳۶۰
	آیین نامه نحوه بررسی و تصویب طرح های توسعه و عمران محلی، ناحیه ای و منطقه ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری	۱۳۷۰
	قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۷۹	
دستورالعمل بهینه راهنمای شهری مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری	قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۸۳	۱۳۸۰
مبانی نظری و فرایند طراحی شهری	آیین نامه شورای برنامه ریزی و توسعه استان و کارگروه های تخصصی سال ۱۳۸۲	
طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ۱۳۸۶	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص ضوابط و مقررات ارتقای کیفی سیما و منظر شهری ۱۳۸۷	
طرح جامع تحقیقات شهرسازی و معماری ایران مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری	آیین نامه اجرایی قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن ۱۳۸۸	
	لایحه برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۸۹	۱۳۹۰

نمودار ۱: مهمترین قانون ها و آیین نامه ها و رهنمودها و راهنماهای عمل صحیح تاثیر گذار بر طراحی شهری در نظام برنامه ریزی ایران

۲-۳- ترتیبات نهادی

- نهادهای قانون گذار

انگلستان: پارلمان مهم ترین نهاد قانون گذاری است که در سطح کل بریتانیا و اسکاتلند وظیفه تصویب و تأیید قوانین را بر عهده دارد و از دو مجلس عوام و اعیان تشکیل شده است. هم اکنون وزارت جوامع و حکومت محلی (DCLG) وظیفه تدوین بیانیه های سیاست برنامه ریزی (PPSS) و تصاویر نهایی اسناد برنامه توسعه (DPDS) و نیز رسیدگی به مغایرت های این اسناد برنامه توسعه و یا اسناد برنامه ریزی تکمیلی (SPDS) با سیاست های ملی و یا منطقه ای را بر عهده دارد. (محمدی، ۱۳۹۳، ۱۱)

ایران: در ایران نقش مجلس و شورای نگهبان را می توان تا اندازه زیادی به مجلس عوام و اعیان تشبیه کرد، چون روند



یکسانی در تصویب و تأیید قوانین وجود دارد. با این حال نهادهای اصلی سیاست گذار در مقوله برنامه ریزی شهری در دو نهاد مهم خلاصه می شوند: شورای عالی شهرسازی و معماری؛ و وزارت راه و شهرسازی (البته بایستی نهاد سومی را نیز به عنوان هیئت وزیران به آن ها افزود). وزارت مسکن و شهرسازی مسئولیت تهیه و تدوین سیاست ها و پیش نویس مصوبه های شهرسازی و معماری و طرح های توسعه شهری را بر عهده دارد. شورای عالی شهرسازی و معماری، به عنوان عالی ترین مقام مسئول تصویب سیاست ها، آئین نامه ها و بالام مصاوبات کلای شهرسازی و معماری به دستگاه های ذیربط و تصویب نهایی طرح های جامع و جز آن است. بسیاری از آئین نامه های اجرایی قوانین مصوب مجلس را نیز چند وزارتخانه به صورت مشترک و یا هیئت وزیران تهیه می کنند، که البته می بایست به تأیید ریاست جمهوری نیز برسد. (بنکدار، ۱۳۹۰، ۱۵۲)

با نگاهی اجمالی به موارد موفق و به واسطه وجود قلمروهای متعدد نظارتی و حکومتی و روابط بین بخشی در نظام برنامه ریزی شهری در ایران می توان دریافت کرد که وجود و حضور نهاد یکپارچه ای برای ساماندهی برنامه ریزی به منظور سیاست گذاری، تهیه، تدوین و تصویب آئین نامه ها و ضوابط کلی شهرسازی و معماری و ابلاغ به دستگاه های ذیربط، ضروری است.

- نهادهای اجرایی

- انگلستان: در انگلستان به واسطه نظامی نیمه متمرکز و بهره گیری از تمرکززدایی در اداره کشور، حکومت محلی برای اداره در سطح محلی پیاده سازی شده است. ساختار غالب حکومت محلی در نظام کنونی بیشتر بر طبق قانون حکومت محلی مصوب ۱۹۷۲ شکل گرفته است و آخرین اصلاحات ساختاری به موجب قانون حکومت محلی و مداخله عمومی در بهداشت مصوب ۲۰۰۷ و قانون دموکراسی محلی، توسعه اقتصادی و عمرانی مصوب ۲۰۰۹ میلادی انجام شده اند. بر این اساس دو مدل غالب هدایت در حکومت محلی وجود دارد که عبارت اند از: شهردار و اعضای شورا؛ رهبر (رئیس شورا)؛ و اعضای شورا. (محمدی، ۱۳۹۳، ۱۲)

با بررسی حکومت محلی، یافته ها حاکی از یکپارچگی میان سیاست گذاری و اجرا در زمینه برنامه ریزی است. در مدل نخست، شهردار به عنوان مجری و اعضای شورا به عنوان سیاست گذار، و در مدل دوم رئیس با همکاری اعضای شورا، سیاست گذاری و اجرا را نیز بر عهده دارند. به عبارت دیگر، مراجع برنامه ریزی محلی (LPAs) در انگلستان که مسئولیت تهیه اسناد طراحی شهری را در قالب اسناد برنامه ریزی تکمیلی (SPDs) عهده دار هستند، در گستره وظایف شان، به وسیله کمیته های تخصصی اقدام به تهیه و تدوین و تصویب این اسناد می کنند، که به وسیله کمیته های تخصصی دیگر به اجرا گذاشته می شود. این موضوع باعث می شود تا اجرای سند طراحی شهری که در تعامل با جامعه محلی شکل گرفته است، درک درستی از منابع مالی لازم داشته و با پیش بینی سازوکارهای موثر موجبات اجرای طرح را فراهم آورد.

وزارتخانه جوامع و حکومت محلی (DCLG) تنها در صورت مغایرت اسناد با سیاست های ملی و منطقه ای در امور مراجع برنامه ریزی محلی 122 (LPAs) مداخله می کنند. (بنکدار، ۱۳۹۰، ۱۵۵)

- ایران: در ایران، به دلیل وجود تمرکز در نظام اداره کشور و برنامه ریزی از بالا به پایین، عملاً حکومت محلی جایگاهی ندارد. با این حال، می توان شهرداری ها و اعضای شورای شهر را به عنوان نهادهای عمومی غیر دولتی، به عنوان سطحی از حکومت محلی تفسیر کرد. اسناد طراحی شهری را در بسیاری از موارد سازمان های وابسته به شهرداری ها (سازمان بهسازی و



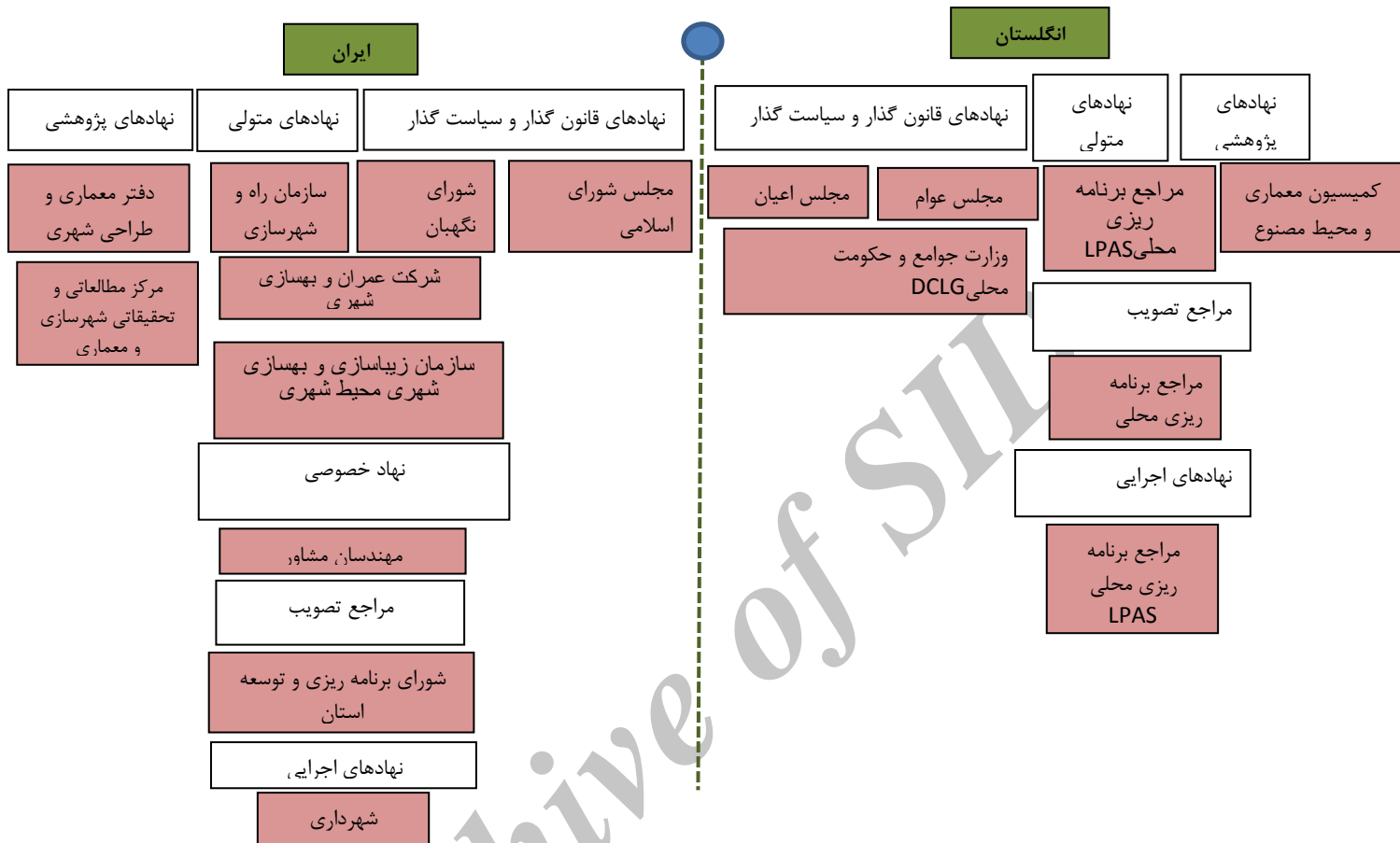


زیباسازی محیط شهری و جز این ها) تهیه کرده اند. طرح های توسعه شهری که ضرورت تهیه سند طراحی شهری در آن ها دیده می شود (طرح های جامع و تفصیلی) به وسیله وزارت راه و شهرسازی تهیه می شود و برای اجرا به شهرداری ها ابلام می گردد و شهرداری ها علاوه بر اجرای سند، می بایست بر صدور پروانه ساخت و ساز و امور توسعه نیز نظارت کنند. نادیده انگاشتن نقش شهرداری به عنوان تنها نهاد مردمی در سیاست گذاری هاد و وجود نهادهای حکومتی و مدیریتی باحوزه اختیارات متفاوت به همراه در پیش نگرفتن ساز و کارهای مناسب در هماهنگی و همکاری و همیاری میان بخشی در سطح محلی برای اجرای اسناد طراحی شهری خود باعث می شود تا در بستر و شرایط تهیه طرح به دلیل واقع بین نبودن و پیش بینی نکردن منابع مالی لازم و ناآگاهی از نیازهای مردمی، اجرا و تحقق پذیری طرح با مشکل مواجه شد. (همان، ۱۵۵)

- نهادهای تهیه کننده و مراجع تصویب

-انگلستان: در انگلستان مراجع محلی (LPAs) در بخش ها، باروها (به عنوان یکی از تقسیمات شهری در کلان شهرها) و شهرها مسئول تهیه اسناد طراحی شهری در قالب اسناد برنامه ریزی تکمیلی (SPDs) هستند. این مراجع در تعامل با جامعه محلی و در پاسخ به سیاست های طراحی مشخص از سند راهبرد اصلی اقدام به تهیه اسناد طراحی (در حیطه وظایف خود و در قالب چارچوب توسعه محلی) (LDF) می کنند و پس از انتشار نسخه پیش نویس و دریافت اطلاع از دیدگاه های مردمی و انعکاس آن ها در اسناد، در کمیته های تخصصی بررسی می شوند و به تصویب مراجع مذکور می رسند. بنابراین تهیه و تصویب و حتی اجرای این اسناد، به صورت یکپارچه در مراجع محلی انجام می پذیرد (محمدی، ۱۳۹۳، ۱۳)

-ایران: نهادهای تهیه کننده اسناد طراحی شهری در ایران، در زمان حاضر عبارتند از: شهرداری ها (و سازمان های وابسته، از جمله سازمان زیباسازی و بهسازی محیط شهری)، شرکت عمران و بهسازی شهری (وابسته به وزارت راه و شهرسازی) و سازمان راه و شهرسازی استان ها. اسناد طراحی شهری پس از تهیه، برای بررسی به کمیته فنی ارتقای کیفی سیما و منظر شهری مستقر در سازمان راه و شهرسازی استان (در برخی موارد در کمیته فنی سیما و منظر شهری دفتر معماری و طراحی شهری در وزارت راه و شهرسازی) ارسال می شود و پس از تأیید طرح به وسیله این کمیته، طرح مذکور به تصویب نهایی کارگروه مسکن و شهرسازی شورای برنامه ریزی و توسعه استان می رسد. وجود تفرق عملکردی در نهادهای تهیه کننده، مراجع تصویب و دستگاه های اجرایی در نظام برنامه ریزی در تهیه اسناد طراحی شهری در ایران، نبود هماهنگی و همیاری و همکاری بین بخشی قطعاً باعث طولانی تر شدن فرآیند تهیه و تصویب، به همراه تشدید مشکلات در حوزه اجرایی می شود. (بنکدار، ۱۳۹۰، ۱۵۴) نمودار زیر ترتیبات نهادی در امور قانون گذاری و سیاست گذاری، تهیه و تصویب، اجرایی و پژوهشی در طراحی شهری در نظام برنامه ریزی ایران و انگلستان را نشان می دهد. (همان، ۱۵۷)



نمودار ۲: ترتیب نهادی در امور قانون گذاری و سیاست گذاری، تهیه و تصویب، اجرایی و پژوهشی در طراحی شهری در نظام برنامه ریزی ایران و انگلستان

۴- جایگاه و انواع اسناد طراحی شهری در برنامه ها و طرح های توسعه شهری

با مقایسه جایگاه اسناد طراحی شهری در نظام های برنامه ریزی دو کشور، تا اندازه ای می توان شباهت هایی را یافت و آن ها را عمومیت داد. البته یقینا بایستی برای یافتن شباهت ها، از سابقه تاریخی به منظور حاصل شدن نتایج چشم پوشی کرد. هرچند با بررسی موشکافانه تر تفاوت هایی نیز یافت می شود که عمدتاً می توان آن ها را ناشی از نابسامانی در حوزه قوانین و مقررات برشمرد. تا پیش از سال ۲۰۰۰ اسناد طراحی شهری در انگلستان در سطوح باروها و شهرها و بخش ها به صورت اختیاری تحت عناوین مختلفی که بیش از ۱۰ عنوان سند را در بر می گرفت، در سطوح مختلف راهبردی و بخش ها و نواحی و یا سایت های موضعی تقسیم بندی و تهیه می شد. از سال ۲۰۰۰ به بعد اسناد طراحی شهری در قالب رهنمودهای برنامه ریزی تکمیلی (SPDS) قرار گرفتند (همچنان به اختیاری بودن تهیه اسناد خللی وارد نشد) و در پاسخ به سیاست های مشخص طراحی، در سند راهبرد اصلی برنامه توسعه تهیه و تدوین می شود. علاوه بر اسناد مذکور، با مطرح شدن برنامه های



جامع سه بعدی، در سال ۲۰۰۴ این اسناد نیز در حیطة اسناد طراحی شهری قرار گرفتند. (بنکدار، ۱۳۹۰، ۱۵۹)

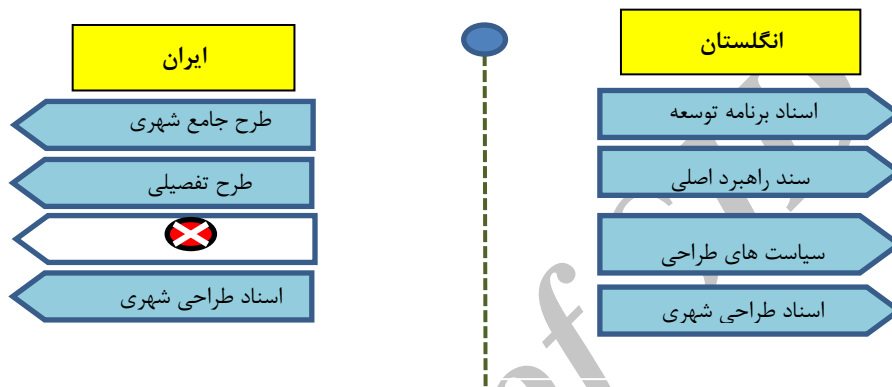
در مقابل، در ایران با تکیه بر متون قانونی موجود، تا قبل از سال ۱۳۷۸، این سند فاقد جایگاه قانونی بود. نتایج حاکی از وجود ۶ دسته کلی از اسناد طراحی شهری است که عموماً از اوایل سال ۱۳۷۰ تاکنون تهیه شده است. با تصمیم گیری به عنوان طراحی فضای شهری، سند طراحی فضای شهری بر اساس مصوبه ۱۳۸۷/۵/۷ شورای عالی شهرسازی و معماری به عنوان یک طرح توسعه در سلسله مراتب طرح های توسعه اضافه شد و به تصویب رسید. این اسناد در سلسله مراتب طرحهای توسعه شهری، در ذیل طرح جامع و تفصیلی قرار می گیرند. بنابراین جایگاه قانونی این اسناد را می توان از سابقه اسناد طراحی شهری که عموماً به وسیله نهادهای مختلف همچون شرکت عمران و بهسازی در وزارت راه و شهرسازی، سازمان زیباسازی و بهسازی محیط شهری وابسته به شهرداری ها و سازمان راه و شهرسازی در استان ها تهیه می شد و به دلیل فقدان جایگاه قانونی که عمدتاً پس از تصویب در روند اجرا با مشکلات بسیاری روبرو می شد، به عنوان فصل مشترکی با جایگاه قانونی اسناد طراحی شهری در نظام برنامه ریزی انگلستان ترسیم کرد. با تصویب این مصوبه اسناد طراحی شهری را می توان در محورهای (شامل خیابان ها و میدان ها)، پهنه ها و بافت های ویژه و در نهایت ساماندهی سیما و منظر شهری تقسیم بندی کرد. لازم به ذکر است که تهیه اسناد براساس این مصوبه با کندی صورت می گیرد. (محمدی، ۱۳۹۳، ۱۶)

علت این موضوع، نبود شرح خدمات قانونی تهیه طرح های طراحی شهری در قالبی یکپارچه و بر مبنای مصوبه مذکور است. تا کنون پیش نویس شرح خدمات طراحی فضای شهری آماده شده، اما از مرحله تصویب نگذشته است. علاوه بر این، اقداماتی در خصوص تصویب سند راهبردی طراحی شهری در مقیاس شهر در دستور کار دفتر معماری و طراحی شهری قرار گرفته، ولی این موضوع هنوز به اجرا در نیامده است. با در نظر گرفتن موارد مذکور، هر چند چارچوب قانونی لازم برای تهیه انواع اسناد طراحی شهری در نظام برنامه ریزی ایران صورت گرفته است، اما ترتیبات لازم از جمله فراهم ساختن شرح خدمات برای تهیه اسناد برای دستیابی به وحدت و یکپارچگی در عناوین و ایجاد رویه یکسان تحقق نیافته است. پیش بینی می شود که این موضوع بتواند با راهبری و اقدامات دفتر معماری و طراحی شهری، با پاسخ مناسبی رو به رو شود. در پایان باید اشاره کرد که ضرورت تهیه راهنمای عمل صحیح برای تهیه این اسناد (که در مرحله بالقوه قرار دارند) مبتنی بر شرح خدمات و بازنگری در شرح خدمات و رویکرد طرح های بالادست باید در اولویت قرار گیرد. (بنکدار، ۱۳۹۰، ۱۶۰)

سیاست های طراحی از دیگر پارامترهای تعیین کننده و اصلی در مقایسه جایگاه اسناد طراحی شهری در نظام برنامه ریزی دو کشور مورد بحث است. در انگلستان این سیاست ها به طور معمول باید زمینه ای را برای تصمیم گیری در مورد تقاضاهای برنامه ریزی از سوی متقاضیان برای صدور پروانه ساخت و ساز فراهم آورد. این سیاست ها توصیه هایی را در زمینه مسائل و موضوعات اساسی و کلی نظیر مقیاس، تراکم، توده گذاری، ارتفاع، منظر، سیمای کلی و ارتباطات میان ساختمان ها با یکدیگر و توجه بیشتر به بستر محلی مطرح می کنند و جزئیات معمولاً جایگاهی در آنها ندارد. سیاست های طراحی در مسائل کارکردی و اجتماعی و زیست محیطی در اولویت بیشتری قرار دارد. این سیاست ها به طور کلی به سیاست های طراحی محدوده محور، سایت محور (موضعی) و موضوعی تقسیم بندی می شوند. به طور مشخص، سیاست های طراحی به عنوان بخشی از سند راهبرد اصلی در اسناد برنامه توسعه (DPDs) تعریف می شوند و در بر دارنده مشخصه های اصلی برای تهیه



رهنمودهای برنامه ریزی تکمیلی (SPGs)، (تا پیش از سال ۲۰۰۴) و سپس اسناد طراحی شهری در قالب اسناد برنامه ریزی تکمیلی (SPDs) هستند. در مقابل، در ایران سیاست های طراحی جایگاهی در طرح های توسعه شهری فرادست طراحی شهری (جامع و تفصیلی) ندارند. در سال ۱۳۸۸ وزارت راه و شهرسازی اقداماتی را در زمینه اصلاح و تکمیل و بازنگری در شرح خدمات طرح های جامع و تفصیلی و همچنین طراحی فضاهای شهری و هادی روستایی در دستور کار قرار داده است و احتمال می رود که در پیش نویس بازنگری شده شرح خدمات طرح های جامع و تفصیلی به عنوان سند فرادست، سیاست های مشخص طراحی جایگاه مطلوب بیابند. (بنکدار، ۱۳۹۰، ۱۵۸)

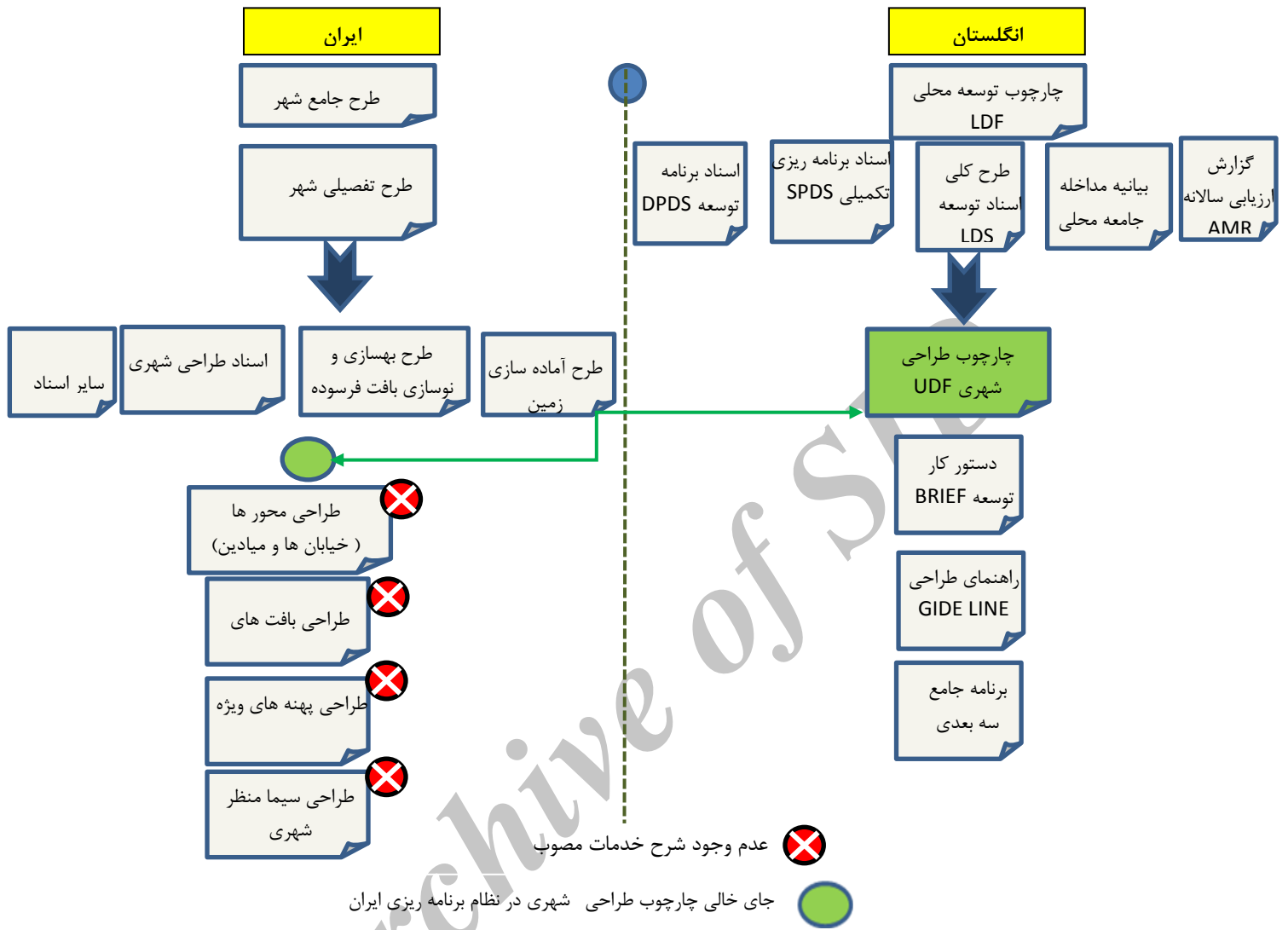


نمودار ۳: جایگاه سیاست های طراحی برنامه های توسعه شهری در نظام های برنامه ریزی ایران و انگلستان

با توجه به مطالب عنوان شده میبینیم در نظام برنامه ریزی ایران، سند چارچوب طراحی شهری جایگاه قانونی نداشته و علی رغم تهیه این طرح در کشور این طرح ها پشتوانه قانونی و مرجع قانونی ندارد.

جدول ۲: جایگاه قانونی و مراجع تصویب چارچوب طراحی شهری

مقیاس فضایی	ابزار	اسناد خروجی قابل تصویب	مرجع تصویب کننده
مقیاس کلان (شهر)	طرح جامع شهر	مجموعه سیاست ها و ضوابط و مقررات طراحی شهری مندرج در طرح جامع شهر	شورای عالی شهرسازی یا شورای برنامه ریزی استان (برای شهر های کمتر از صد هزار نفر)
	برنامه راهبردی طراحی شهری	نقشه برنامه راهبردی طراحی شهری مجموعه اصول و رهنمودهای طراحی شهری	مرجعی که شورای عالی معماری و شهرسازی در زمان تصویب طرح جامع تعیین کند.
مقیاس میانی (پاره شهر)	چارچوب طراحی شهری	نقشه چارچوب طراحی شهری (۱/۱۰۰۰۰ و ۱/۵۰۰۰)	مرجعی که شورای عالی معماری و شهرسازی در زمان تصویب طرح جامع تعیین کند
		نقشه طرح تفصیلی با رویکرد طراحی شهری (۱/۲۰۰۰)	کمیسیون ماده پنج
مقیاس خرد (سایت/فضای شهری)	طرح جامع سه بعدی طراحی شهری	ضوابط و معیارهای طراحی شهری مجموعه دستور کارهای طراحی شهری برای سایت ویژه	کمیسیون ماده پنج
		نقشه طرح جامع سه بعدی طراحی شهری (۱/۵۰۰) ضوابط و معیارهای طراحی شهری مجموعه دستور کارهای معماری برای پارسل ها	کمیسیون ماده پنج



نمودار ۴: انواع اسناد طراحی شهری با تأکید بر چارچوب طراحی شهری در نظام برنامه ریزی ایران و انگلستان

۵- نتیجه گیری

انگلستان با نظام سیاسی نیمه متمرکز و نظام برنامه ریزی پیشرو در برنامه های توسعه شهری و دارا بودن ساختار قدرتمند محلی میتواند به عنوان الگویی در مباحث رویه ای، ساختاری و نهادی راهگشای نظام برنامه ریزی ایران باشد. در ایران به دلیل عدم وجود منابع لازم و کافی و نبود ابزارهای قانونی سند چارچوب طراحی شهری جایگاهی قانونی در نظام برنامه ریزی کشور ندارد و مرجعی برای تصویب این طرح در شورای عالی معماری تعیین نشده است. چالش های برنامه ریزی ایران را میتوان در نظام متمرکز از بالا به پایین، نبود فرایند بازنگری و نظارت بر اجرا و تهیه طرح ها، روند طولانی برای تصویب و عدم زمانبندی مشخص، عدم جایگاه سیاست های طراحی در برنامه ریزی، فقدان برنامه ریزی در سطح محلی و بومی، عدم روابط بین بخشی و رویکرد بخشی در بررسی و تصویب طرح های توسعه شهری، عدم مشارکت و آگاهی شهروندان



از محتوای طرح و حقوق شهروندی خود، نام برد.

مراجع:

- [۱] بنکدار، احمد. قرایی، فریبا. برکپور، ناصر، "بررسی تطبیقی اسناد طراحی شهری در نظام برنامه ریزی ایران و انگلستان"، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۸، ۱۳۹۰.
- [۲] سلطانی آزاد، فرهاد، "طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری"، فصل نامه مدیریت شهری، شماره ۹، ۱۳۸۱.
- [۳] کرمونا، متیو. پانتر، جان، بعد طراحی برنامه ریزی، ترجمه سید عبداللهی دانشور و رضا بصیری مؤدھی، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- [۴] کوان، رابرت، اسناد هدایت طراحی شهری، ترجمه کورش گلکار و سولماز حسینین، نشر اسلیمی، تهران، ۱۳۸۵.
- [۵] گلکار، کورش، "طراحی شهری در عمل: الگویی برای هدایت و کنترل چند سطحی در طراحی شهری"، فصلنامه آبادی، شماره ۵، ۱۳۸۶.
- [۶] گلکار، کورش، "طراحی شهری سیاستگذار و طراحی شهری طرح ریز، الگوهایی عملیاتی برای تدوین ابزارهای هدایت و کنترل در ایران"، نشریه صفا، شماره ۴۶، ۱۳۸۸.
- [۷] گلکار، کورش، "از تولد تا بلوغ طراحی شهری"، نشریه صفا، شماره ۳۶، ۱۳۸۲.
- [۸] محمدی، محمود. گوهری نسب، انسیه. باباپور، حسین، "مقایسه تطبیقی نظام برنامه ریزی و تهیه طرح ایران و انگلستان"، کنفرانس ملی شهرسازی مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران، ۱۳۹۳.